

زمانیکه توما دیگر شاگردان را ملاقات کرد به آن‌ها گفت، تا خود، نشان می‌خاها را در دست‌هایش نبینم و انگشت خود را بر جای می‌خاها نگذارم و دست خویش را در سوراخ پهلویش ننه‌م، ایمان نخواهم آورد. (یوحنا ۲۰: ۲۵) آیا ایمان شما نیز به دلیل یا شواهد نیاز دارد؟ من متوجه شده‌ام که برخی از افراد به سادگی ایمان می‌آورند. اما برخی دیگر قبل از اینکه باور داشته باشند، باید به نوعی "معقول" به نظر بیاید، یا احساس کنند صحیح است یا به نوعی با جهان بینی آن‌ها تناسب داشته باشد. معمولاً من به وجود خالق شخصی خوب یعنی خداوند باور دارم. اما گاهی اوقات با موقعیت‌هایی روبرو می‌شوم که در من تردید ایجاد می‌شود. به عنوان مثال، وقتی خداوند کاری انجام می‌دهد یا اجازه می‌دهد اتفاقی رخ دهد که من موافق نیستم. وقتی شک دارد و همچنین زمان‌هایی که شک ندارم به نظرم دلایل و استدلال‌ها ایمان من را تقویت می‌کنند. چه چیزی درباره خداوند قابل اثبات است؟ منتظر چه هستیم؟ انتظار یافتن چه چیزی را داریم؟ من در این دنیای فیزیکی و طبیعی، اثر انگشت یک شخص قدرتمند و هوشمند را می‌بینم.

۱. درباره علت: هر چیزی در دنیای شناخته‌شده علتی دارد. خود جهان نیز نیازمند علت است. حتی "بیگ بنگ" اگر واقعا اتفاق افتاده باشد، نیز علتی دارد. می‌توانیم علت اولیه را "خدا" بنامیم.

۲. درباره پیچیدگی: بدن ما دستگاه بسیار پیچیده‌ای است! جای شگفتی است که جهان ما چقدر پیچیده است. جزئیات بسیار ضروری وجود دارد. پیچیدگی‌های حیرت‌انگیزی که در طبیعت می‌بینم، مرا متعجب کرده و تشویق می‌کند که به وجود یک طراح باهوش باور داشته باشم. ما می‌توانیم آن طراح را "خدا" بنامیم.

۳. درباره خیر و شر: چه چیز خوب است؟ چه چیز بد، اشتباه یا شر است؟ آیا اخلاق می‌تواند به سادگی محصول تغییر دیدگاه کلی ما باشد؟ واقعیت این است که همه افراد اگر نگوئیم تمامی افرادی که از خیر و شر آگاه هستند، پیشنهاد می‌دهند که اخلاق و معنویت فراتر از رفتار آموخته شده اجتماعی می‌رود. این واقعیت که برخی از کدهای اخلاقی که بر هارد دیسک هر انسانی قرار داده

شده است، حاکی از وجود یک قانونگذار اخلاقی است. ما می‌توانیم این قانونگذار اخلاقی را "خدا" بنامیم. بنابراین منطقی است که به وجود یک علت اولیه قدرتمند، یک طراح هوشمند، یک قانونگذار جهانی باور داشته باشم. شما می‌توانید این وجود عظیم را خدا بنامید یا هر نام دیگری به او بدهید. چه چیزهای دیگری می‌توانیم در مورد این وجود عظیم کشف کنیم؟ آیا احتمالاً شبیه چیزی است همانند انرژی، یا یک فرد، چیزی شبیه شما و من؟

۴. درباره منطق: من یک شخص را چیزی بیشتر و بالاتر یا بزرگتر از ماده و انرژی می‌بینم. همچنین متوجه شدم که بزرگتری که کوچکتر را می‌آفریند. به عنوان مثال، شخصی یک کامپیوتر می‌سازد، پرنده‌ای لانه‌ای می‌سازد اما هرگز برعکس این‌ها اتفاق نمی‌افتد. چه کسی افرادی همچون من و شما را خلق می‌کند؟ خالق ما همچنین باید دارای شخصیتی برابر یا به نوعی بزرگتر از ما داشته باشد.

۵. درباره زیبایی: چرا ما رنگ‌های مختلف را می‌بینیم و از آن‌ها لذت می‌بریم؟ چرا غروب آفتاب می‌تواند خیلی زیبا باشد؟ چرا سیاره ما چنین گل‌های گوناگونی دارد؟ چرا ما انقدر طعم‌ها و رایحه‌های جذاب داریم؟ چرا موسیقی وجود دارد؟ تمامی چیزها در جهان ما نیازی به وجودشان نیست. از آنجایی که زیبایی بخشی از این خلقت است، همچنین باید با در نظر گرفتن بیشتر جنبه‌ها توسط طراح آن قدردانی و احساس شود. قدرانی از زیبایی یک ویژگی شخصیتی است. این واقعیت که زیبایی وجود دارد، حاکی از این است که خدا یک شخص است که او نیز احساس و قدردانی می‌کند و لذت می‌برد.

۶. درباره جهان: روندی که ما آن را تکامل می‌نامیم، یک فرایند بی‌ارزش است. یک جهان مکانیکی جایی برای فضیلت ندارد؛ نیازی به اخلاق ندارد. اما چیزی درون ما می‌داند که فضایی از قبیل محبت، تواضع، همدلی، ایثار، سخاوت و بخشش واقعی هستند. وجود چنین فضایی در مورد خالق جهان چیزی به ما می‌گوید. اخلاق و فضیلت‌ها چیزهایی هستند که برای افراد ارزش دارند. این واقعیت

که فضیلت‌ها وجود دارند حاکی از این است که خدا شخصی است که به آن‌ها ارزش می‌دهد.

ویژگی مهم افراد این است که آن‌ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط با دیگران دارند. اگر خدا شخص است، نباید عجیب به نظر بیاید که این خدا هم بخواهد با ما ارتباط برقرار کند. در واقع ما باید واقعا انتظار داشته باشیم. مسیحیان بر این باورند که خداوند بارها با انسان‌ها ارتباط برقرار کرده است و اینکه مکاشفه بزرگ او در شخص عیسی مسیح آمده است. چگونه عیسی به ما کمک می‌کند تا به خدا باور داشته باشیم؟

۷. درباره عیسی: آیا واقعا فردی به نام عیسی وجود داشته است؟ آیا او یک اسطوره بود؟ بیشتر مورخین به همان عیسی تاریخی همانند ارسطو یا کنستانتین باور دارند. آیا کلیسا، عیسی را الهی کرده است؟ خود عیسی در مورد هویت خود مغشوش نگردید. او با یک مأموریت به این زمین آمد. شاگردان عیسی نیز به تدریج متقاعد شدند که عیسی، خدایی به صورت انسان بود. در ابتدا کلام بود، کلام با خدا بود و کلام، خدا بود کلام، انسان شد و در میان ما مسکن گزید (یوحنا ۱: ۱-۱۴). به همین دلیل دشمنان عیسی او را به دلیل توهین به مقدسات متهم کردند و خواستند او را بکشند. زندگی و سخنان عیسی به من کمک کرد تا به خدا باور داشته باشم.

۸. درباره رستاخیز عیسی: دوستان و دشمنان عیسی موافق بودند که قبر او خالی بود. چطور خالی شد؟ بشارتی‌ها می‌گویند که عیسی از مردگان برخاست. توضیحات جایگزین آن کاملا ضعیف هستند. علاوه بر این، پس از رستاخیز، بسیاری عیسی را زنده دیدند. در همان زمان او (عیسی) بر بیش از پانصد تن از ایمانداران ظاهر شد، که بسیاری از ایشان هنوز زنده‌اند، هر چند برخی خفته‌اند. سپس بر یعقوب ظاهر شد و بعد بر همه رسولان (اول قرنطیان ۱۵: ۶-۸). رستاخیز جسمی عیسی مسیح توضیحی است که به بهترین وجه با حقایق متناسب است. به من کمک می‌کند که باور کنم عیسی مسیح مکاشفه حقیقی خدا بود.

۹. درباره تغییرات خوب: در اورشلیم، شهری که عیسی مسیح در آن مصلوب گردید، فقط چند هفته پس از

رستاخیز ۳۰۰ نفر پیام مسیحی را باور کردند. این انفجار مسیحیت و شهادت میلیون‌ها زندگی تغییر یافته همچنین امروزه را نمی‌توان بدون رستاخیز فیزیکی و واقعی عیسی مسیح در نظر گرفت. به علاوه، گاهی اوقات پاسخ‌های بسیار بعید و غیرقابل توضیح برای دعا می‌بینم. خدای بایبل همچنان امروز نیز فعال است.

برای باور کردن، توما شواهدی می‌خواست. رستاخیز عیسی به او ظاهر شد و گفت: انگشت خود را اینجا بگذار و دستهایم را ببین و دست خود را پیش آور و در سوراخ پهلویم بگذار و بی ایمان مباش بلکه ایمان داشته باش. آیا این شواهد اثباتی بود برای اینکه عیسی خداست؟ توما به او گفت: پروردگار من و خدای من! (یوحنا ۲۰: ۲۷-۲۸) اطمینان در مورد رستاخیز به توما کمک کرد باور کند که عیسی خدا بود. مانند توما، ما هیچ مدرکی برای اثبات اینکه خدا وجود دارد، نداریم اما شواهد و دلایل در باور به ما کمک می‌کنند. ایمان، یک انتخاب است برای خدا یا بر علیه خدا. و بدون ایمان لذت بردن از خدا غیر ممکن است، زیرا هرکس نزد او بیاید باید باور کند که او وجود دارد و به کسانی که با جدیت در جستجوی او باشند، پاداش می‌دهد (عبرانیان ۱۱: ۱).

۱۰. درباره معنای زندگی: ایمان مسیحی یک ایمان منطقی است. یک قدم کورکورانه در تاریکی نیست. معنی دارد. شایسته ایمان و اعتماد ماست. علاوه بر این، مسیحیت واقعی کاراست و از نظر وجودی رضایت‌بخش است. در مواجهه با شکست در این جهان به من امید می‌دهد، به زندگی من معنا و جهت می‌دهد، و مطمئن هستم که من را به فرد بهتری تبدیل می‌کند. وقتی عیسی گفت: من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره‌مند شوند (یوحنا ۱۰: ۱۰)، او حقیقت را می‌گفت.

فیلیپ نان (Philip Nunn)، ژانویه ۲۰۱۶،

آینده‌هون هلند

منبع: www.philipnunn.com

مترجم: ل.ای